

امام هادی علیه السلام؛ امامی که باید بیشتر شناخت

<?xml encoding="UTF-8?">

بسم الله الرحمن الرحيم



امام هادی(ع) ، در سن هشت سالگی منصب الهی امامت را عهده دار شد. شاید این پندار چندان صحیح و متقن نباشد اما احساس می شود کوتاهی و کم کاری ما در شناخت زوایا و ابعاد مختلف زندگی ائمه علیهم السلام در رابطه با امام هادی دو چندان است تا جایی که می توانیم امام هادی(ع) را امامی بنامیم که نمی شناسیم.

امامی که نمی شناسیم!

اگر دوره های امامت را به چهار دوره تقسیم کنیم، دوره امام هادی (ع) به خاطر ویژگی های خاص سیاسی و علمی و فرهنگی دوره ای است که در آن علاوه بر تدبیر برای آینده شیعه از لحاظ سیاسی و عقیدتی، تحکیم پایه های فرهنگی و انتقال کامل دست آوردهای تمام دوران امامت انجام گرفته و مرحله نوینی برای شیعه آغاز گردیده که در نوع خود نقطه عطف بسیار مهمی است. هر یک از ائمه علیهم السلام در دوره خود براساس حوادث و تحولات اجتماعی، سیاسی و فکری، برای هدایت شیعیان و حفظ اسلام ناب، اقدامات بسیار سنجیده ای را انجام داده اند. به نحوی که با وجود حاکم بودن شرایط سخت و اختناق سیاسی، تشیع به عنوان خطی روشن که متمایز با اکثریت حاکم بود، موجودیت خود را حفظ کرد.

دوره امام هادی (ع) دوره ای است که بنیان برخی از اندیشه های ناب تشیع شکل گرفته و بنیان مرجعیت و زعامت شیعه در این دوره گذاشته شده بود. قرن سوم در جهان اسلام قرن نوینی از نظر علمی و فکری بود که

حرکت جامعه به سوی رشد علمی و فرهنگی با رویش اندیشه های جدید کلامی و ورود شبهات مختلف عقلی و فلسفی- که متأثر از نهضت ترجمه بود مرحله ای متمایزتر از گذشته را پیش روی خود داشت. مکاتب و فرقه های مختلف علمی با اختلافات و تنازع، درحال تولید علم براساس اندیشه های خود بودند و به خاطر شیوع شبهات، نابسامانی فکری تمام جهان اسلام را گرفته بود. اما مکتب اهل بیت با برتری محسوس، در محاصره دستگاه سیاسی به برکت وجود ائمه (ع) از پایه های محکم و استوار و منطقی برخوردار بود و هرگاه شبهه ای متوجه کلیت و محتوای اسلام می شد تنها پاسخ قانع کننده، از سوی رهبران مکتب اهل بیت صادر می شد. و این واکنش اساسی از سوی ائمه منجر به سامان دهی سازمان یافته مبانی فکری اسلام می شد.

امام هادی(ع) در این دوره خطیر و از لحاظ علمی که برای آینده جهان اسلام اهمیت خاص داشت، امامت را بر عهده داشت و بایستی به گونه ای بنیان های علمی مکتب اهل بیت را تأسیس و سازماندهی می کرد که تا قرن های آتی این بنیانگذاری، نیازهای فکری و سیاسی را پاسخ دهد.

امام هادی(ع) پانزدهم ذی حجه سال 212 هجری در اطراف مدینه از مادری بافضیلت به نام سمانه یا سوسن متولد شد. پدر بزرگوارش امام جواد(ع) در سال 220 به شهادت رسید. بدین ترتیب امامت امام هادی(ع) در سن هشت سالگی آغاز و تا سال 254 به مدت 33 سال استمرار داشت. آن حضرت در بین مردم با القاب، عامل، فقیه، امین، نقی، طیب مشهور بود. دوره امامتش، معاصر شش تن از سلاطین عباسی به نام های معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز بود که دشمن ترین آنها نسبت به علویان متوکل بود.

وضع اجتماعی و سیاسی معاصر امام هادی (ع)

حکومت عباسیان هر چه از دوران استقرار و ثبات خود فاصله می گرفت، از نظر سیاسی اقتدارش کاهش می یافت، این تنزل قدرت و حاکمیت، از علل مختلف ناشی می شد. دشمنی برخی از سلاطین عباسی چون متوکل با خاندان امامت و علویان تا حدی بود که امنیت مالی و جانی آنان در مخاطره بود. از این روی امام هادی(ع) با توجه به این اختناق و فقدان امنیت برای صیانت از جان و مال پیروان اهل بیت فعالیت های کاملاً سری و پنهانی داشت.

امام هادی(ع) قبل از اینکه توسط مأموران عباسی به سامرا احضار شود در مدینه که مرکز علمی و فقهی بزرگ جهان اسلام محسوب می شد سکونت داشت و براساس اظهار شیخ مفید، مدت ده سال آخر دوره امامت ایشان با سکونت اجباری در سامرا و تحت نظر حاکمیت سپری شد. (ارشاد مفید/ 2 / 312) اختناق شدید سیاسی و شیوع شبهات فکری و عقیدتی، دو پدیده مهم دوره امام هادی(ع) بود که اگر مواضع و تدابیر امام نبود، اساس فکری مکتب اسلام و عقاید بنیانی آن مانند توحید، گرفتار آشفستگی و در معرض تهدید جدی واقع می شد.

اختناق شدید سیاسی از سوی حاکمان دسترسی به امام را برای مردم مشکل می کرد و عدم حضور امام در جامعه، خود مشکلات بزرگ عقیدتی را در پی داشت که منجر به بروز فرقه های مختلف مذهبی و کلامی و شیوع عقاید و آرای فکری سست در جامعه می شد و بدین علت بود که دین اسلام در معرض مخاطرات جدی قرار داشت. با بروز این آسیب ها وجود امام معصوم برای صیانت از دین الهی و اسلام ناب ضروری می نمود. از پیامدهای تلخ سیطره اختناق سیاسی، تفرقه میان پیروان اهل بیت(ع) بود که فرقه های مختلفی از شیعه در این دوره گزارش شده(3) که به مرور زمان در گرد شمع وجودی امامان بعدی این اختلافات برچیده شد و از این فرقه ها جز نامی در تاریخ نماند. تدبیر خاص امام برای ایجاد هماهنگی و همبستگی میان پیروان اهل بیت(ع) که در شهرهای مختلف جهان اسلام بودند، با مؤلفه (وکالت) صدها نتیجه زودبازده و آینده ساز داشت.

نوآوری فرهنگی جهت پایداری تشیع



سازمان وکالت و نیابت از طرف امام معصوم(ع) در دوره های پیشین وجود داشت. اما در دوره امام هادی(ع) این سازمان وسیع علمی، فکری و سیاسی بعنوان نهادی رسمی و نوین از نمود خاص و برجستگی ویژه برخوردار شد و آثار مهمی که این نهاد رسمی در حفظ اساس اسلام داشت، آن را بعنوان نهادی راهبردی و الگوساز برای آینده شیعه نمایان کرد. در حقیقت نهاد وکالت ابتکار و نوآوری امام در شرایط بحرانی خاص بود که جهت ارتباط شیعه با امامت و استمرار پیوستگی خط امامت با مردم طراحی شد. اگر بحرانهای تاریخ اسلام پس از امام هادی را در نظر بگیریم، مدیریت امام در این برهه برای رها شدن از بحرانهای سخت بعدی، کارآمدی فراوان و مؤثری داشت، چون وضع سیاسی به نحوی پیش رفت که در عصر امام عسگری(ع) شیعه بیش از پیش در فشار و اختناق قرار گرفت و تنها چاره شیعه جهت اطلاع از وظایف خود و وضع امام همین راهبرد مهم بود. امام عسگری(ع) کاملاً در محاصره نظامی قرار داشت و گاه برای رساندن پیام از شیوه های خاص استفاده می کرد. پیام به وکلا می رسید و وکلا به همدیگر تا بدین طریق شیعه از مسائل و وظایف خود در قبال انحرافات آگاه می شد.

ایجاد بستری جهت پیوند مستمر بین امام و پیروان در اقصی نقاط جهان اسلام که می توانست مانند ابزارهای ارتباطی امروزی، پیام امام را سریعاً و به طور سیستماتیک از یک کانال موثق و معتبر به شیعیان برساند. بدون این که از لحاظ امنیتی برای پیروان اهل بیت (ع) مشکل ساز باشد و از نظر جغرافیایی، مکان آنها را برای دیگران معلوم سازد. این شبکه مهم می توانست از نظر علمی و فقهی، نیازهای مردم را از منبع اصلی در دسترس قرار دهد که رفع شبهات عقیدتی و فکری از نتایج بدیهی و اولیه آن بود. شبکه گسترده وکالت تنها سازمان اقتصادی نبود، بلکه سازمان بزرگ علمی نیز محسوب می شد که الگویی برای تشکیل حوزه های علمیه امروز بود. منشأ علمی سازمان، امام معصوم (ع) بود که نیازها را رفع می کرد.

استمرار این شبکه باعث ایجاد مراکز علمی و حدیثی بزرگ مانند مکتب قم و... شد. وصول مسائل فقهی و کلامی از کانال مورد اطمینان برای پیروان به منزله یک چتر حمایتی بزرگ مصون بخش بود که تهاجمات فرهنگی را نیز بدون واکنش آشکار فیزیکی، پاسخ داده و دفع می کرد. شبکه وکالت در حقیقت به منزله یک دانشگاه بزرگ زنجیره ای بود که پیروان اهل بیت-علیهم السلام- را از نظر فکری و نیازهای علمی روزمره با مرکز به صورت نامحسوس و سریع ارتباط می داد. برخی گمان کرده اند که سازمان وکالت تنها فعالیت های مالی داشت، درحالی که تدبیری بود کاملاً اساسی و بنیانی برای سامان سازی علمی و فرهنگی با هدف حفظ اسلام ناب.

سامان دهی و صیانت از عقاید مذهبی

در دوره امام هادی (ع) شبهات مهم فکری و کلامی در جامعه اسلامی رواج داشت و عقاید مردم را تهدید می کرد. مثل شبهه تشبیه و تجسیم درباره خداوند، که عده ای به این عقیده گرایش داشتند. امام با موضع برهانی، این نظریه را مردود شمرد و فرمود، پیروان اهل بیت درباره خداوند به جسمیت قائل نیستند چون لازمه تشبیه خداوند به اشیاء دیگر، تصور جسمیت است، و چیزی که جسم است خود معلول است، شأن خداوند بری از این تمثیل هاست، چون جسم داشتن، محدود شدن به مکان و زمان و عوارض دیگری نظیر پیری، فرسودگی و... را در پی دارد. درحالی که ذات خداوند پاک از این اوصاف است. (توحید صدوق/97)

این عقیده همان عقیده است که سبب پیدایش تثلیث در مسیحیت شده و آنها برای خداوند شریکی قائل شده اند. امام با برخورد صریح با شیوع این افکار در بین مردم و پیروان اهل بیت (ع) پیشگیری نمود. این شبهات و نظایر آنها اساس توحید را که اولین و مهمترین دستاورد پیامبران الهی است مورد مخاطره قرار می داد که وجود امام هادی (ع) در این برهه از زمان این وظیفه را عهده دار است تا از توحید پاسداری و برای این منظور برنامه



های اساسی پی ریزی و از طریق سازمان وکالت این مسائل را به